

تو در پیکار آزادی بجز زنجیر خود
چیزی نخواهی داد و خواهی برد.
جهانی را که مزد شست رنج بیکران
تست .

شعله جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره پنجم پنجشنبه 12 ثور 1347 هـ 2 می 68

تجلیل روز بین المللی کار

از آنجا که کار انسانی در جوار شرایط و مسایل کار در جریان نعمات مادی رول خیلی بارزی داشته و از آنجا که کار، فعالیت اجتماعی انسانهاست از سالیان دراز بدین سو در محافل روشنفکری و حلقه های کارگری روز اول ماه می را بنام روز بین المللی کار برگزار می سازند در سیر تاریخ رومی های عصر باستان در اول ماه می جشن بهاره را تجلیل می نمودند . در انگلستان رابرت اوون در سال 1833 اول ماه می را سرآغاز هزار ساله تعیین کرد در سالهای 1882 - 1883 و 1884 این روز در ایالات متحده آمریکا و کانادا با شور زایدالوصفی از جانب گروه پیشروها بدرقه گردید . در سال 1889 اولین کنگره بین الملل دوم و رهبر کبیر آن ، منعقد پاریس این روز را بنام روز بین المللی کار شناخت . از آن زمان تا حال در حلقه های کارگری و روشنفکری اکثر ممالک سرمایه داری هم این روز برگزار می گردد .

در افغانستان این روز برای اولین بار درست در فرصتی استقبال شد که حلقه های روشنفکر پیشرو خواستند ضمن مظاهره ای ، عمال و خدام دستگاه جاسوسی " سیا " سی آی - ای را در کشور ما افشاء نموده و در باره فحطی و بیکاری روز افزون شعار بدهند . گرچه در آن زمان خوش خدمتان و کاسه لیسان ارتجاع در راه این مامول موانعی ایجاد کردند اما روشنفکرانی که سرنوشت شان با رنجبران ، نیمه رنجبران و دهقانان کشور ارتباط مستقیم و ناگسستی دارد نقاب را از چهره این خادمان ارتجاع بر انداختند .

از آنجا که کار و فعالیت لازمی انسان ها بوده و در این جریان مواد طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش بشکل مطلوب درمی آورند و از آنجا که کار یک ضرورت اجتماعی بوده و یک شرط غیر قابل انکار حیات انسانهاست ، بدون کار حیات انسانی به ذات خود ناممکن خواهد بود .

بدنیست دانسته شویم که در تحت نام شرایط کار چیز های داخل می گردد که کار انسان بالایی آن صورت می گیرد . مثلاً چوب جنگل و یا معدن در عمق زمین .

وسایل کار تمام اشیاء هستند که ذریعه آنها انسانها بالایی شرایط کار عمل می کنند . در جمله وسایل کار بشکل پیشرفته از همه اولتر ابزار تولید نام برده می شود . در جمله افزار تولید تمام اشیائی که انسان در وقت کار از آن استفاده می کند قید می گردد یعنی از اولین سنگ ناتراش تا ماشین های کویی گر و خود کار امروز .

از آنجا که کار محصول نیروی عضلانی دماغی ، جسمی و عصبی کارگران است و از آنجا که کار نه تنها (در جوار منابع طبیعی) مایه ثروت است ، بلکه در تغییر و تحول ارتقایی انسان هم رول خاص و برجسته ای دارد ، لذا لازم است به نیروی ایجاد گر رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانانی توجه کنیم که جهان کار را رنگین ساخته و ساحه طبیعی را تزئین می نمایند .

کارگران و دهقانان ملک ما در اثر عرق ریزی و کار خستگی ناپذیر خویش وادی ها ، جلگه ها ، باغها ، ابنیه ، شاهراه ها ، پل ها ، بندها و غیره و غیره را سرسبز و آباد ساخته و خود شان با

کمال رنج و مشقت روز و شب را سپری می‌سازند. این دو طبقه که بدون مبالغه همه چیز را در اثر کار خلاق خویش ایجاد می‌کنند دور از همه چیز زندگی نموده و فاقد همه چیز اند. طوری که دیده می‌شود کارگران معادن ذغال سنگ در دره صوف، آس پشته و کرکر با شرایط غیر صحتی و قرون وسطایی مشغول کار بوده و تاحال چندین بار در راه تامین وسایل راحت دیگران بصورت کتلوی جان‌های گرامی را از دست داده‌اند. کارگران و کانهایی لاجورد و یاقوت و لعل و دیگر سنگ‌های قیمتی همه به حال گرسنگی بسر برده و نیروی کارشان مورد دستبرد دیگران قرار گرفته و بطور قاچاق بخارج فرستاده می‌شود.

کارگران پروژه‌های شاهراه‌های بزرگ برای تسریع حمل و نقل مواد مطلوب (خام - نیم بند) امپریالیستها و مدافعین استعمار نوین چه زحماتی را متقبل شده و بدون اینکه ملتفت خطرات محتمله باشند جانهای گرامی خود را فدای منفعت دیگران کردند. این کارگران فعال از بیکاری و بی‌تکلیفی خویش در عذاب‌اند. کارگران فابریکه‌های گلبهار، پل خمیری، فابریکه شکر بغلان، فابریکه صنعتی قندز، فابریکه خانه‌سازی، کارخانه‌های منطقه صنعتی کابل، میدان هوایی کابل و قندز، پلی‌تخنیک و غیره و غیره در زیر کار طاقت فرسا و شرایط نامساعد رنج زیادی را متحمل شده و خساره‌های بیش از حد را متقبل شده‌اند. مزد این کارگران خیلی قلیل است که نمی‌توانند بجز بخور و نمیر دیگر حواجی ضروری زندگی‌شان را مرفوع سازند. اگر در فابریکه پلخمیری وضع کارگران را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم علاوه از تحقیر و اهانت بیشمار کارفرمایان شرایط ناگوار کار هم موجب خستگی - پیری و مرگ زودرس کارگران می‌گردد.

در قطار کارگران اطفال خورد سال زنان رنجور و مردان کهنسال هم وجود دارند که همه بانیروی کار خویش به ثروت سرمایه داران تزئید می‌بخشند اینها به دو گروه در دونوبت دوازده ساعته محکوم به کار اند و هر دو گروه از شعاع آفتاب جهان تاب محروم‌اند. بنام، بیمه صحتی وجود دارد که بیشتر از آن مامورین عالی‌رتبه استفاده می‌کنند. بیمه اجتماعی که اصلاً وجود ندارد امراض مختلف در بین کارگران شایع است.

مزدی که به کارگران پرداخته می‌شود در حقیقت قسمتی از نیروی کار مصرف شده‌شان را جبریه می‌کند و قسمت دیگر آن به نفع صاحبان فابریکه به یغما برده می‌شود. کارگران ما باید بدین امر ملتفت گردند که با فروش نیروی کار خویش نمی‌توانند قیمت حقیقی مطاع خویش را بدست آرند. یعنی در بدل کاری که انجام می‌دهند مزد واقعی و حقیقی را بکف نمی‌آورند. روشن است که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کار هم ارزشی دارد که مانند سایر کالاها بفروش میرسد ارزش نیروی کار که به پول تعویض می‌گردد قیمت آنرا مجسم ساخته و به شکل مزد جلوه می‌کند اکثراً ثروت بدست آمده صاحبان فابریکه‌های عریض و طویل از سبب نپرداختن مزد اصلی کارگران بوده و هر قدر افزار تولید (ماشین آلات) تکامل می‌کنند بهمان اندازه نیروی کار کارگران (مزد) مورد تاخت و تاز سرمایه دار قرار می‌گیرد. نباید فراموش کرد که اساس طرز تولید سرمایه داری برزدی نیروی کار کارگران استوار است. میدانیم که وسایل کار هر قدر متکامل و مغلق شوند بدون نیروی کار چیزی را بمیان آورده نمی‌توانند برای اینکه جریان تولید نعمات مادی سربراه گردد باید نیروی کار با وسایل کار یکجا شود.

ازین جا معلوم می‌گردد که سرمایه دار در عصر کنونی با ماشین آلات مغلق بصورت خیلی ماهرانه از نیروی کار ایجادگر کارگران برثروت و قدرت خود می‌افزاید.

به هر حال رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانان در حال حاضر در تحت شرایط ناگوار و نامساعدی زندگی می‌کنند که جز از فاقه‌گی، برهنگی، دربدری، پیری قبل از وقت، مرگ زودرس حاصل دیگر بدست نمی‌آورند و در مقابل به یمن همت خویش وسایل راحت و عیش و طرب ستمکاران را مهیا می‌سازند. ازین فرصت نیک استفاده کرده به تقویت روز بین المللی کار کارگران مبارز را به نکات مهم حیاتی متوجه می‌سازیم :-

مصالح کارایجاب می کند که بین رنجبران کشورهای مختلف در ممالک مختلف دوستی ، اعتماد و محکمترین اتحاد وجود داشته باشد ، چه هواداران ملاکین و سرمایه داران سعی دارند کارگران را از هم جدا کنند و نفاق و خصومت ملی را تشدید سازند ، تا کارگران را ناتوان ساخته و قدرت سرمایه را تحکیم نمایند .

از آنجا که سرمایه نیروی بین المللی است ، برای غلبه بر آن اتحاد بین المللی کارگران و برادری بین المللی آنها لازم است .

رنجبران نباید فراموش نمایند که سرمایه داری جهان را به مشت ناچیزی امپریالیستهای ملل متمگر و عظمت طلب و کامل الحقوق و ممتاز و اکثریت عظیم ملل ستمکش و وابسته و نیمه وابسته و دارای حقوق غیر مساوی تقسیم کرده است .

باید بخاطر داشته باشیم که در حال حاضر صدها هزار کارگر ، دهقان و نیمه رنجبران در بدر ، گرسنه و برهنه در ملاء عام ته و بالا می دوند آزادی برای کارگران - و دهقانان حکم توتیا را دارد .

برای بدست آوردن آزادی و حفظ آزادی حقیقی کارگران - نیمه رنجبران و دهقانان بدین نکات توجه نمایند :

ای کارگرانی که درین فرصت در زندان کارتوان فرسا و زندگی نیمه گرسنه و فقر شدید محکومیت علاج آینده ای بیمناک اولاد خود را نمایند مبارزه پیگیر و مداوم کنید چه در راه مبارزه به جز زنجیر های اسارت چیز دیگری را از دست نخواهید داد و در بدل آن جهانی را که خود ساخته اید بدست خواهید آورد .

باید ملتفت شد که این تبدیل کار بنده وار بکاربرای خود ، که بزرگترین تعویض کار برای بشر است بدون تصادم و اعمال جبر نسبت به مفتخواران سخت ریشه و آستان بوسان شان صورت گرفته نمی تواند .

کارگران و دهقانان تهیدست و نیمه رنجبران که در اثر کار مشقت بار سالیان دراز برای استثمار گران و تحمل تحقیرها و هتاکهای بی شمار از طرف آنان و احتیاج شدید آبدیده شده اید می دانید که برای درهم شکستن مقاومت استثمار گران تدبیر لازم است .

کارگران توانا این موضوع را فراموش نکنید که شما به نیروی دانش نیازمندید بیش از حد دارید چه به کمک دانش خواهید توانست سرمایه دارانی که نفع ایشان با غارتگری حکمرانی - و با حکمرانی غارتگری است دگرگون سازید .

باید بخاطر بسپارید که هدف توده های کارگر و دهقانان و نیمه رنجبر از دگرگونی عمیق سیاسی تامین آزادی ، نان ، مسکن و زمین است .

افتخار جاویدان بر کسانیکه اکنون میلیون ها زحمتکش را بدنبال خود می برند و با نهایت اشتیاق در نخستین صفوف در فاش کار گام بر میدارند .

"پایان"

اساس ارزش چیست ؟

اگر از دهقانی بپرسیم چرا غله می کاری و یا اگر از جولایی بپرسیم چرا کرباس می بافی در جواب می گویند ، برای اینکه انسان ها برای رفع بعضی از نیازمندی های خود به این چیز ها احتیاج دارند و من نیز با استفاده مستقیم و مبادله آن قسمتی از نیازمندی های خود را رفع می سازم .

از این جواب دیده می شود که در نظر اول در هر محصول کار این امر قابل اهمیت است که باید محصول مذکور قسمتی از نیازمندی های بشری را رفع نماید . این خاصیت محصول کار را که باعث رفع یکی از نیازمندی های بشری می گردد بنام ارزش استعمال آن محصول یاد می کنند . مثلا ارزش استعمال گندم در این است که احتیاج غذایی بشری را رفع میکند ارزش استعمال کرباس در اینست که در رفع نیازمندی پوشاک بشر مفید واقع می شود .

اکنون اگر به جوابی که دهقان و جولا برای ما داده خوبتر توجه کنیم دیده می شود که غله و کرباس دارای خاصیت مهم دیگری نیز هستند . یعنی چنانکه خود دهقان و جولا گفته اند می توانند با مبادله آن کالای دیگر بدست آرند یعنی غله و کرباس با کالای دیگری مبادله می گردند . اگر به تمام معاملاتی که بین دارندگان کالای مختلف صورت می گیرد توجه کنیم " مثلا در مبادله گندم با کرباس " دیده می شود که یک نوع ارزش استعمال به نوع دیگر آن مبادله می گردد . این قدرت یا توانایی یک کالا را که در یک تناسب معین کمی " مثلا یک سیر گندم با دو متر کرباس " با کالای دیگر مبادله می شود ارزش مبادله کالای اولی " مثلا گندم " می نامند .

بنابراین ارزش مبادله " یا ارزش " نخست از همه تناسبی است که در آن مقدار یک نوع معینی ارزش استعمال به یک مقدار معین نوع دیگر ارزش استعمال مبادله می گردد " چنانکه یک سیر گندم به دو متر کرباس " در نگاه اول این تناسب کمی که بوسیله آن کالا ها مبادله می شوند اتفاقی و تصادفی بنظر می رسد ، اما در واقع هم آنها در یک زمان قابل ملاحظه ای تحت نوسانات واقع می گردند ولی در واقع این تغییرات در حوالی یک سطح وسطی معین نوسان می کنند .

اکنون ببینیم که چه چیزی تناسب کمی مبادله کالا ها را تعیین می کند . هرکسی میداند که برای مقایسه دو چیز باید آنها دارای خصلت مشترکی باشند و باید این خصلت قابل اندازه گیری باشد طور مثال این سنگ در وزن مساوی به دو خریطه سمنت است . در این مقایسه سنگ و خریطه های سمنت خصلت مشترکی دارند و آن خصلت مشترک وزن آنها است .

این خصلت قابل اندازه گیری بوده و بعد از توزین این حکم را صادر می کنیم که سنگ بقدر دو خریطه سمنت وزن دارد .

اما وقتی می گوئیم که یک سیر گندم با دو متر کرباس قابل مبادله است چنین معنی می دهد که این دو کالا نیز خصلت مشترکی دارند . اکنون جستجویی کنیم که کدام خاصیت مشترک این دو کالای مختلف را قابل مقایسه ساخته است .

این خاصیت نه وزن ، نه حجم و نه محکمی است زیرا گندم و کرباس دارای وزن ، حجم و دیگر خواص مختلف اند آیا این خاصیت مفیدیت این دو کالا هست ؟ نه ، زیرا استعمال آنها کاملا متفاوت می باشد . اما اگر خوب دقت کنیم دیده می شود که کالا های با ارزش های استعمال کاملا مختلف تنها دارای یک خاصیت مشترک می باشند این خاصیت عبارت از اینست که همه محصولات اجتماعا لازم کار نمایندگی می کنند . این خاصیت که هر دو " گندم و کرباس " بوسیله کار بشری تولید گردیده اند حقیقتا خاصیت مشترک آنها را تشکیل مید هد بر علاوه این خاصیت قابلیت اندازه شدن را دارد ، زیرا کار بوسیله مقدار زمانی که در تهیه کالای مشخص مصرف می شود ، اندازه می گردد .

بنابراین مقدار کاری که در تولید کارها به مصرف می رسد ، تناسب های را که در آنها اشیاء به یکدیگر مبادله می گردند ، تعیین می کند .

کاری که در تولید کالا ها به مصرف می رسد ماخذ روابط مبادله را تشکیل می دهد و این امر با حقایق روشن ، تطابق دارد . مثلا اکثر کالاهای که در گذشته قیمت گران داشتند " یعنی با مقدار زیاد کار تولید می شدند " بعد از تکامل و رشد تکنالوژی از قیمت افتادند ، زیرا تکامل تکنالوژی مقدار کاری را که برای تولید آنها لازم بود کمتر ساخته است .

مطالعه اقتصاد ما را به این نتیجه می‌رساند که تازمانی که مبادله به حیث یک پدیده بی‌اهمیت تلقی می‌گردد. محصولات در تناسب های اتفاقی مبادله می‌گردیدند، اما زمانیکه مبادله وسعت پیدا نمود وضعیت تغییر خورد این تناسب ها مبادلوی اکثر طور بر قرار می‌گردند که در آن، مبادله مطابق مقدار کار مصرف شده در کالا باشد.

بنابراین مقدار کار مصرف شده در یک کالا اساس ارزش مبادله آن کالا را می‌سازد.

بعبارت دیگر کاری که در یک کالا تجسم یافته یا مترکم گردیده ارزش آن کالا را بوجود می‌آورد. مبادله کالا ها طبق کاری که در تولید آنها مصرف گردیده یک قانون تولید کالا است.

تعریف ارزش مبادله " که فوقاً شد " در مورد ارزش نیروی کار، کارگران نیز صادق است.

میدانیم که انسان تنها زمانی توانایی کارکردن را دارد که بزنگی خود ادامه داده بتواند یعنی بخورد، لباس بپوشد، سقفی بالای سر داشته باشد، بعبارت دیگر احتیاجات حیاتی خود را تامین کرده بتواند. تامین ضروریات حیاتی کارگر برای ادامه فعالیت نیروی کار، کارگر لازم است. اما در نظام سرمایه داری کلیه اشیاییکه رفع نیازمندی های انسان را می‌نمایند " مانند نان، لباس و مسکن و غیره " کالا نامیده می‌شوند. در تولید تمام این اشیاء یک مقدار معین کار ذخیره شده که در ارزش آنها تظاهر می‌کند.

بنابراین ارزش نیروی کار به حیث کالا مساویست به ارزش کالائیکه کارگر برای ادامه حیات و حفظ استعداد کار خود بآن ضرورت دارد. بعبارت دیگر، ارزش نیروی کار عبارت است از ارزش وسایل معیشتی که برای ادامه حیات صاحب نیروی کار لازم است بنابراین اساس ارزش مبادلوی یا ارزش هر کالا بشمول نیروی کار مقداری کار مصرف شده در تولید آن چیزست.

د. دکارگر - س

بزرگرتہ خطاب

دابیگاری ترخو

بزرگرتہ تاتہ وایم ستا خواری ترخو

تہ کوی کار مدام پہ تودو دشتو باندي
تہ کوی حُمکي اوبو پہ نیمو شپو باندي
تہ وری پیٔسی د غم تل پہ وریو به باندي
آخر پہ حان ورکوي پہ دي آرزو باندي

دابیگاری ترخو

بزرگرتہ تاتہ وایم ستا خواری ترخو

یوی خوانشته بؤی بل خواکوچینیان ژاری
ستا دحال د پاره زره د انسان ژاری
ستا د غم او خواری حُمکي آسمان ژاری
د غریبان د پاره واره خوانان ژاری

دابیگاری ترخو

بزرگرتہ تاتہ وایم ستا خواری ترخو

ستادمٔوله زور و حُکي شراب خانان
پہ شکلتوروتیرودی جوړوي تعمیران
وری بنکلو انجونوحان سره سیل دپغمان
دوچ بؤی پسی تہ حان ورکوي پہ ارمان

دابیگاری ترخو

بزرگرتہ تاتہ وایم ستا خواری ترخو

راحی چه موژ او تاسی عهد و پیمان جوړي کرو
په اتحاد او گډون نوي جهان جوړي کرو
دغه نري قیامت په دشمنان جوړي کرو

دکتور هادي محمودي

مبارزه سیاهان در آخرین تحلیل

مبارزه طبقاتي است

چندي پيش ، " مارتين لوترکينگ " رهبر مقاومت منفي سياهپوستان آمريکايي ، از طرف فاشيست هاي نژاد پرست آمريکايي بقتل رسيد . بدنبال اين رویداد ، موج خشم و نفرت عميق وديرينه سياهان آمريکايي بشکل مبارزات آتشين و قهرمانانه عليه ظلم و بيداد گري امپرياليزم آمريکا ، سرتاسر ايالات متحده را فرا گرفت . درپيش از پنجاه شهر ، سياهان آمريکايي ، دست به مبارزات آتشين زده و در برخي از شهر ها بلاک هاي کامل امارات را طعمه حريق ساختند دولت ايالات متحده براي سرکوبي ايشان ناچار به فرستادن عساکر گارد ملي شده ، پنجاه هزار عسکر مسلح مامور فرونشاندن اين مبارزات عادلانه شد .

" مارتين لوترکينگ " رهبر مقاومت منفي سياهپوستان ، طرفدار شيوه مبارزه مسالمت آميز و " عدم توسل به زور " يعني مبارزه منفي در برابر ظلم و خودسري امپرياليستي برسياهپوستان بود ، وي سعي مي نمود تا سياهپوستان را از توسل به مبارزات عادلانه وموثرعليه ظلم و بيداد گري امپرياليزم آمريکا ، مانع گردد ، ولي حقايق نشان داد ، اين خود امپرياليستهاي آمريکايي اند که مبارزات آتشين وعادلانه سياهان را در دستور روز قرار مي دهند و نخست دست به خونريزي مي زنند . " مارتين لوترکينگ " مبلغ سياست " عدم تشدد " قرباني تشدد وزورگويي امپرياليستي شد . چرا سياهان بر ضد امپرياليست هاي آمريکايي دست به مبارزه زده اند ؟ ماهيت مبارزات سياهان عليه امپرياليزم آمريکا چگونه است ؟ آيا اين مبارزات محض جنبه " نژادي " دارد ويا اينکه داراي خصلت طبقاتي است ؟

دراوايل قرن هفدهم ، زمانیکه ايالات متحده امروزي مستعمره انگلستان بود ، در سال 1619 براي نخستين بار ، بازرگانان هلندي بيست نفر سياهپوست آفريقايي را بعنوان غلام به مستعمره مذکور فروختند . از آن تاريخ به بعد تا ختم نيمه اول قرن نوزدهم تجارت غلامان سياهپوست آمريکايي در آمريکايي از پردامنه ترين رشته هاي تجارتي دنياي جديد بشمارمي آمد . بازرگانان انگليسي ، هلندي وهسپانيايي کشتي هاي خود را از مشروبات الکلي ارزان قيمت پرکرده به سواحل آفريقا مي رفتند وبار خویش را با سياهان که طوايف فاتح آفريقايي اسير نموده و براي فروش به ساحل آورده بودند معاوضه مي کردند در مستعمرات بریتانیا در آمريکاي شمالي 230000 غلام سياهپوست وجود داشت چند سال بعد از اين تاريخ در سال 1793 ماشين حلایي و پاک کردن پنبه در آمريکا اختراع شد . اين رویداد سبب ترویج بیسابقه کشت و زرع پنبه در ايالات متحده و صدور آن به کشورهاي صنعتي اروپا مخصوصا انگلستان گردید . براي کشت پنبه ، استفاده از غلامان سياهپوست بسيار مناسب بود ، زیرا در تمام طول سال مي شد آنها را بکار توان فرسا ي بدون مزد واداشت ، اين بود که تعداد غلامان سياهپوست به سرعت رو بافزايش نهاد واز 698000 در سال 1790 به چهارمیلیون نفر در سال 1860 رسيد . به تناسب افزايش احتياج به غلامان سياهپوست قيمت آنها نیز در آمريکا فزوني يافت ، در اوایل قرن هفدهم قيمت يك غلام سياهپوست در آمريکا 300 دالر بود سپس به 800 دالر رسيد . و در حدود سال 1860 به 2000 دالر بالا رفت تعداد بیشتر سياهان آفريقايي در ايالات جنوبي آمريکا ،

سکونت داشتند ، علت این بود که ایالات جنوبی آمریکا ، مخصوصاً ویرجینیا و کارولینای جنوبی مناطق زراعتی بوده و مخصوصاً کشت پنبه و تنباکورواج بیشتر داشت . غلامان سیاهپوست برای ملاکین جنوبی نه فقط سرمایه گرانبهای بلکه از عوامل لازمه تولید ثروت بشمار می رفتند . در برخی از ایالات جنوبی در قرن نوزدهم ، حتی تعداد سیاهپوستان بیشتر از سفید ها بود . در قرن هژدهم ، در ایالات جنوبی دوهزار خانوار ملاک درجه اول ، هریک بیش از یکصد غلام سیاهپوست داشتند ، ملاکین درجه دوم که مجموعاً 200 هزار خانوار می شدند ، هریک از 20 تا یکصد غلام سیاهپوست داشتند . وضع زندگی این غلامان فوق العاده رقت بار و اسف انگیز بود . استفاده از شلاق چرمی معمول بود ، فقط اگر مالک خشمگین و یا عصبانی می شد ، غلام سیاهپوست را به شلاق می بست و یک غلام سیاهپوست متهم ، حق دفاع از خود را نداشت . لباس شان ژنده و کلبه های شان کثیف بود ، اگر زن سیاهی از طرف مالک خود مورد تجاوز قرار می گرفت و وی از خود دفاع می کرد ، بعنوان این " جرم " بیشتر مورد شکنجه و عذاب قرار می گرفت ، مالکین سیاهان را لخت کرده و مانند حیوانات اعضای بدن و دندان های شان را قبل از خریدن معاینه می کردند . در سال 1808 ورود غلام قانوناً در آمریکا ممنوع شد ، ولی باوجود آن بازرگانان انگلیسی آمریکایی به تجارت برده در آمریکا ادامه می دادند و علاوه بر آن ملاکین در ایالات ویرجینیا به " پرورش و تکثیر " سیاهپوستان پرداخته و " آنرا " به ایالات دیگر " صادر " می کردند .

سیاهان از همان آغاز ورود به آمریکا علیه ظلم و بردگی به مبارزه برخاستند . در سال 1712 سیاهان برده شهر نیویورک علیه بیداد گری و ظلم بردگی دست به قیام زدند ، ولی پیش از انجام قیام سرکوب شدند در سال 1820 سیاهان در ایالت ویرجینیا شورش کردند .

در حال حاضر سیاهپوستان آمریکا تقریباً دو میلیون نفر اند . آنها به پست ترین و پر مشقت ترین کارها مصروف و در معرض اسارت و ستم و تبعیض قرار دارند . مزد آنها یک دوم و یک سوم مزد سایرین بوده و بزرگترین فیصدي بیکاران را سیاهپوستان تشکیل می دهند . در بسیاری ایالات مخصوصاً در ایالات جنوبی سیاهان نمی توانند با سایرین در یک مکتب درس بخوانند ، در یک رستوران غذا صرف کنند ، در یک سرویس سوار شوند . امپریالیستهای ایالات متحده جمعیت های فاشیستی نژاد پرست تشکیل داده اند که لجام گسیخته سیاهپوستان را تعقیب نموده ، شکنجه داده و بقتل می رسانند .

در اثر این چنین ستم ها و اهانت ها است که سیاهپوستان مجبور به مقاومت و مبارزه گردیده اند طی سالهای اخیر مبارزات توده ای سیاهپوستان بخاطر آزادی پیشرفت های بزرگی نموده است . در سال 1957 سیاهپوستان شهر " لیتل روک " در ایالات " آرکانساس " علیه ممانعت از ورود کودکان شان به مکاتب به مبارزه برخاستند ، مقامات حکومتی برای سرکوبی آنها به نیروی نظامی متوسل گردیده و حوادث خونین و فجیع را روی کار آوردند . در سال 1960 در بیش از 25 ایالت سیاهپوستان بر ضد ممانعت از ورود سیاهان در رستوران ها و مغازه ها تظاهرات بزرگی بر پا کردند . در سال 1961 سیاهپوستان بر ضد ممانعت از مسافرت سیاهان در قطارهای سفیدها دست به مبارزه زدند . در سال 1962 سیاهپوستان در ایالات " می سی سی پی " بخاطر ورود محصلین شان در مدارس عالی به مبارزه پرداختند که از طرف حکومت محلی با خونریزی سرکوب شد . در سال 1963 در شهر " برمینگام " در ایالات " ایلاباما " سیاهان علیه تبعیضات نژادی دست به مظاهرات و میتنگ های وسیع زدند که به توقیف های دامنه دار و وحشیانه ای از جانب حکومت ایالتی منجر گردید . در همین سال رهبر سیاهپوستان بنام " مدگار اوس " در ایالات " می سی سی پی " بیرحمانه به قتل رسید . این عمل سبب جوشش کین و نفرت سیاهان گردیده و با جرئت و قاطعیت بیشتری به مبارزه برخاستند در 28 آگست همین سال راه پیمایی 250 هزار نفری بسوی واشنگتن تشکیل گردید . طی سه ، چهار سال اخیر مبارزات سیاهپوستان بازم بیشتر قاطع و موثر شده و به نحو روز افزون با مبارزات زحمتکشان آمریکا و مبارزات خلقهای محکوم آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین پیوند یافته است . در

سال 1967 مبارزات سیاهپوستان تقریباً سرتاسر ایالات متحده را بشمول شهر واشنگتن فرا گرفت. آنها با شدت در برابر زور و جبر غیر عادلانه، زور و جبر عادلانه بکار برده و مشت را با مشت پاسخ دادند. با تناسب اوجگیری مبارزات عادلانه سیاهان، سیمای پلید امپریالیستهای آمریکایی که با نقاب باصطلاح "آزادی، برابری و برادری" پوشیده شده بود، چون دژخیمان دد صفت فاشیست بر همگان آشکار می شود. خلقهای زحمتکش جهان بیش از پیش به این حقیقت پی می بردند که: "سیستم لعنتی استعمار و امپریالیزم که باسارت و خرید و فروش سیاهپوستان رشد کرد مسلماً به آزادی نهایی سیاهپوستان به پایان خواهد رسید".

حقایق نشان می دهد که مبارزه سیاهپوستان علیه ظلم و بیداد گری شکل نژادی داشته، بلکه از همان آغاز ورود سیاهپوستان به آمریکا دارای ماهیت طبقاتی و علیه استثمار و بردگی بوده است. زحمتکشان آمریکایی بطور روز افزون این واقعیت را درک نموده و از مبارزات سیاهان علیه امپریالیزم و تبعیض پشتیبانی می نمایند. اخیراً محصلین آمریکایی به طرفداری از مبارزات سیاهان دست به اعتصاب زدند و همچنان کارگران آمریکایی بطرفداری از برادران هم زنجیر سیاه خویش مظاهرات و اعتصابات بزرگی بر پا داشتند. مبارزه سیاهپوستان در آمریکا علیه امپریالیزم و تبعیض بیان فشرده ستم و استثمار طبقاتی در قالب ملی می باشد. از آنجایی که سیاهان محرومترین بخش کارگران آمریکایی را تشکیل می دهند، مبارزات آنها در مقدم ترین صف مبارزات طبقه کارگر آمریکا قرار داشته و مورد پشتیبانی روز افزون طبقه کارگر و توده های وسیع مردم آمریکا واقع می شود. مقامات حاکمه امپریالیستی آمریکا از یکسو به سرکوب خونین و وحشیانه مبارزات عادلانه سیاهان بخاطر آزادی و رهایی از ستم ملی دست می زدند و از سوی دیگر برای فریب دادن اذهان مردم به اصطلاح لایه های حقوق مدنی سیاهان را در کنگره ملی به تصویب می رسانند تا بدین ترتیب در اراده پیکارجویی و راسخ سیاهان رزمنده سستی ایجاد کنند. ولی جوانان رزمجوی سیاهپوست آمریکایی بطور روز افزون کذب این گونه نیرنگ های عوامفریبانه امپریالیستهای آمریکایی را در یافته و بیش از پیش به این اصل معتقد می گردند که آزادی ایشان فقط از راه مبارزه بی امان و پیگیر بر ضد امپریالیستهای حاکمه تحقق می یابد و بس.

درحال حاضر مبارزات دموکراتیک و نجات بخش خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در راس آن مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام قرار دارد، از خارج، و مبارزات زحمتکشان آمریکا بخاطر کسب حقوق سیاسی و اجتماعی که در مرکز آن مبارزات سیاهان بی بهره از حقوق انسانی قرار دارد، از داخل، ضربات خورد کننده ای بر پیکر دشمن مشترک خلقها (امپریالیزم آمریکا) وارد آورده و بسوی آینده ظفرنمون گام بر می دارد؛ پیکرناوتان و گنبدیده این "قول پا گلیم" در برابر این دو سیل خروشان و نیرومند مسلماً فرو خواهد ریخت.

م - م

گرداب مرگبار

درطول مراحل مختلف زندگی بشر، هزاران انسان متفکر برای بهبود زندگی بشر هر نوع وسایل را ایجاد کرده اند. تا توده بتواند از آن بطور دستجمعی استفاده کند. اما یکعده انسان های مرتجع و مفتخوار بزور تازیانه و استبداد، جهت بهره کشی و استفاده نا مشروع طبقاتی خود آنرا بکار انداختند. بیشرمانه و غیر عادلانه حق مسلم مردم را به جیب میزنند و استثمار شان میکنند مرتجعین برای رنجبران زندگی را از تلاطم امواج خشمگین و هلاکت باردریا رنج آورتر و پراضطراب تر ساخته اند.

ما میتوانیم این دردها را تسکین دهیم به شرطی که در تجسس علت آن برآنیم باهمه " رنجبران" متحد شویم ، و اعتماد به نفس پیدا کنیم .

شرایط عینی اجتماع اندیشه های نوین و مترقی را در جهت رهایی توده ها از قید اسارت استبداد بمیان آورد و صد ها و هزاران انسان پاک شرافتمند ، صدیق ، وطن پرست با قربان کردن خویش این ثنوری را تکامل دادند و برگنجینه اندیشه پیشرو افزودند و انرا با عمل پیشرو آمیختند .

وقتی کارگران با شعور از حقیقت زندگی با خبرشوند ، برای رهایی خویش دست به مبارزه می زنند و فریاد می کشند که چرا این زندگی زیبا را بر ما گرداب مرگبار ساخته اید ؟ نیروی کار ما را مقابل یک مقدار پول ناچیزی که در بدل ساعت ها کار طاقت فرسا می دهید غصب می کنید و حق ما را جابرانه به تاراج می برید .

ماباید جهت احقاق حقوق خود مبارزه کنیم و از دست شما انسانهای دیوصفت نجات یابیم و دنیای نوینی بیافرینیم .

ناگفته نگذاریم ای صاحبان قدرت ؛

اعلام می داریم که اگر امروز شما زندگی را بر ما گرداب مرگبار ساخته اید ، روزی فراخواهد رسید که ما هم مقابل شما ترحم نخواهیم کرد . ما پیروز می شویم پیروزی ما ناگذیر است .

بیاد بود نخستین روز ماه می " مضطرب " باختری

پرواز شاهین

توای فرزند رنج ، ای کارگر ، ای اختر روشن
 گناهت چیست درپهنای این وادی درد انگیز
 مگر موج وجودت را نباشد قدرت توفان؟
 به پا برخیزوبا اهریمن افسردگی بستیز

* * *

تلاش گوهر هستی مکن در " ساحل آرام "
 که این ننگ است و ننگ پنجه زور آزمای تو
 توموجی ، موج را بیمی نباشد از دل گرداب
 چسان در بند افسون کهن بستند پای تو ؟

* * *

چرا در کوره بیداد این مشتکی ستمگستر
 روان خویشتن سوزی و شمع غیر افروزی
 طلسم شوم این دون همتان ددمنش بشکن
 که این بد گوهران را نیست سیری از زراندوزی

* * *

خروشان موج رزم انگیز شو برخصم آتش زن
 به صد رزمندگی پیکار خونین را مهیا شو
 مباد افسردگی روح تو را از خنجر بیداد
 طلوع مهر عالم تاب (زحمت) را پذیرا شو

* * *

توشاهيني ، قفس بشکن ، به پرواز آي ومستي کن
که برآزادگان داغ اسارت سخت ننگین است
مگرای کارگر ، ای پوررنج آخر نمیدانی
تلاش زندگی در کارزار مرگ شیرین است

نامه از رنجبران

ماکارگران محروم از همه چیز فابریکه جنگلک از مدت ها به اینطرف یکسلسله خواسته های معقول و مشروع خویش را به کارفرمایان فابریکه ارائه نمودیم به جز وعده های دروغ و میان تهی چیزی نصیب ما نگردید و کارفرمایان محیل همیشه در پی فریب و ریا بوده و به خواسته های ما اصلا ارزشی قایل نیستند و ما به تجربه در یافتیم که کسی حاضر نمی شود که به گریه وزاری و شکل مسالمت آمیز حقوق مشروع ما را بدهد . روی این منظور بروز یکشنبه هشت ثور بعد از چندین وقت صبر و تحمل خواسته های خویش را که عبارت از کویون و افزودی معاش و سایل حمل و نقل و مفاد نخیره و غیره بود و با قانون کارگری تطابق داشت به کارفرمایان فابریکه ارائه نمودیم که اصلا بآن اعتنایی نکردند . این خودسری و بی باکی گستاخانه را کارگران تحمل نکرده دست به اعتصاب متشکل زدند که فوری از طرف پولیس و ژاندارم سرکوب گردید . بعدا کارفرمایان فابریکه باز نغمه عوام فریبانه سابق خویش را که وعده های پوچ و میان تهی است تکرار نمودند .

ما از کارکنان جریده ملی " شعله جاوید " که یگانه مظهر آمال و آرزوی کارگران است تمنا داریم تا این صدای ما را که در واقع سازندگان تاریخ و تمدن بشری هستیم انعکاس دهند تا تمام کارگران افغانستان بدانند که از راه مسالمت آمیز گریه و زاری نمیتوان حقوق و خواسته های مشروع خویش را بکف آورد جز از طریق مبارزه پیگیر و مداوم .

جاوید باد مبارزات پیگیرانه سازندگان جهان نو

محل امضای يك عده کارگران

خبر

خبرنگار ما گزارش می دهد که بروز یکشنبه اول ثور هفده تن از کارگران فابریکه سمنت غوری به اثر پافشاری در راه احقاق حقوق پامال شده خویش از کار برکنار ساخته شده اند . شعله جاوید این روش بیداد گرانه را شدیداً نکوهش می کند و به کارگران پیشرو و با احساس یاد دهانی می نماید که از راه وحدت و همبستگی نگذارند که زندگانی عموم همزمان آنها دستخوش هوسهای پلید و نا بکار زورمندان و زورگویان شود .

چگونه باید سنجید که يك جوان پیشرو است ؟ با کدام معیار باید آنرا اندازه گرفت؟ تنها يك معیار می تواند وجود داشته باشد و آن اینست که آیا این جوان مایل است با توده های وسیع کارگران و دهقانان درآمیزد و آیا بدان عمل می کند یا نه؟ چنانچه او مایل به درآمیزتن با توده های وسیع کارگران و دهقانان باشد و واقعا نیز بدان عمل کند ، آنگاه فردی پیشرو است و حالا فردی عادی و یا مرتجع است اگر او امروز با توده های کارگران و دهقانان درآمیزد او را امروز می توان فردی پیشرو نامید، ولی چنانچه او فردا از آنان ببرد حتی بر مردم ساده ستم کند ، آنوقت فردی عادی یا مرتجع خواهد شد .

زموږ اوسني اقتصاد چه دولتي

سکتور په نامه ياديري

له دي کبله چه زموږ د جامعي په اوسني حالاتو کي پخپله دولت لوي اقتصادي قوت دي نو کولاي شو چه د دولتي اقتصاد په تحليل سره خپل د هيواد اوسني اقتصادي حالت په بڼه توگه وپيژنو. ددولت عايداتي منابع ددوم پنځه کلن پلان په جريان کي داسي وو :

کال	1334	1344
وارداتي محصولات	787	1130
ميليون افغاني		
ددولتي تشبثاتو منافع	297	613
ميليون افغاني		
سرمایه گذاري او د فيسونو او جايدادوگټي	264	408
ميليون افغاني		
دځمکي اوڅارونو ماليات	114	168
ميليون افغاني		
ماليات بر عايدات	188	406
ميليون افغاني		
ددولت پور له مرکزي بانک څخه چه (د دوم پلان په دريو وروستي کلوکي اخيستل شوي)	2670	
ميليون افغاني		

پورتنني ارقام په شه توگه څرکند وي چه تاجر دلالت د دولت د داخلي عايداتي منابعو لومړني رقم تشکيلوي (وارداتي محصولات) او پخپله ددولت په تشبثاتو منابع (تاجر بوروکرات او ملاکه بوروکرات) دوهمه درجه ده . برسیره پردي پورتنني ارقام دا حقيقت څرگنده وي چه د دولت سرمايه گذاري د انفلاسيون (اقتصادي حالت چه د پيسي ارزشت بڼکته راځي او دا جناح سو ار زبنت پورته) او د نرخونو د جکوالي اساسي علت دي چه دا پخپله د تاجر دلالت د زبنتي گټي موجب گرځي .

(باقيدارد)

چند خبر

خبرنگاران ما از بلخ ، لوگرو پکتيا گزارش ميدهند که در ولايات متذکره ايادي و عمال ارتجاع با توسل به ارباب و تهديد از پخش وانتشار جريده شعله جاويد جلوگيري بعمل مي آرند ودر کابل نیز گروه اوباش به نشانه موجبات اذيت فروشنندگان شعله جاويد را فراهم مي آرند . شعله جاويد از اينگونه روش هاي ناجوانمردانه و غير انساني وشانتازهاي ميان تهی کوچکترین هراسي ندارد و با اراده تزلزل ناپذير در راهي که آگاهانه بر گزيده است گام خواهد برداشت .

* * *

روز يکشنبه 8 ثور عده اي از کارگران فابريکه جنگلک دست باعصاب زده بودند . براساس گزارش خبرنگار ما خواست آنان افزايش معاش و کم شدن وقت کار بوده است .

* * *

يك پسر جوان هزاره که گرفتار مرض خانمانسوز جزام بوده چند روز پيش از فرط بيماري ، بيکاري ، بي سرپناهي و فقر غذايي دست به خود کشي زده و بيکربيجان او درده مست خواجه مسافر در ميان دريا يافته شده است .